

برای کسی که اصلاً شما را نمی‌شناسد، خودتان را معرفی کنید.

نام: عبدالرضا - به نام پدر بزرگم.

شهرت: ایزدپناه، لقبی که پدر بزرگم انتخاب کرد.

چند سال دارید: چهل و سه سال.

اهل: گناباد - خراسان.

اصالت پدر شما: یونسی گناباد.

چه سالی ازدواج کرده‌اید: سال هزار و سی صد و

پنجاه و شش

چند فرزند دارید: شش تا.

چند داماد: دوتا.

و نوه‌های شما: هنوز نه، دعا کنید سالم و صالح باشد.

اولین‌ها:

اولین سفری که رفته‌اید؟ سفر با الاغ از روستا به

کاشمر همراه با پدر و مادر.

اولین کتابی که خوانده‌اید؟ نهضت‌های انبیاء.

اولین زیارتی که رفته‌اید: سیدمر ترضی و باغ مزار در

کاشمر.

اولین سفارشی که شنیده‌اید: دروغگو دشمن

خداست از مادر.

اولین درسی که زندگی به شما آموخته است:

تواضع و فروتنی.

اولین شغل شما بعد از طلبگی: مسئولیت واحد

مجله‌ی حوزه.

اولین فعالیت سیاسی شما: پخش اعلامیه‌ی امام

قبل از انقلاب، در جشن دوهزار و پانصد ساله‌ی

شاهنشاهی

اولین سخنرانی شما: در محلمان درباره‌ی حرمت

ریش تراشی.

اولین فعالیت تبلیغی شما: منبر.

اولین فرزندان در چه سالی به دنیا آمد: دی

ماه پنجاه و هفت.

اولین ماشینی که خریده‌اید: پیکان مدل پنجاه و

هفت.

اولین باری که به کربلا مشرف شده‌اید: دعا کنید،

خدا قسمت کند.

اولین باری که برای تبلیغ به خارج از ایران

رفته‌اید: باکو، جهت راه اندازی مجله‌ی نظامی.

اولین شخصیت روحانی که برای شما خیلی

قابل احترام است: محمد تقی شریعتی.

اولین باری که پدر و مادر خود را خشنود

کردید؟ نمره‌های خوب کلاس اول.

اولین کتابی که نوشته‌اید: حلقه‌ی اول مقدمه‌ای بر

تاریخ تشیع با عنوان جهاد در عصر شب، که در حمله‌ی

ساواک به مدرسه‌ی نواب، غارت شد.

اولین کتابی که از شما چاپ شده است: اولین

مقاله در شماره‌ی اول مجله‌ی حوزه چاپ شد.

اولین باری که خواستگاری رفته‌اید: مجلس

عروسی یک از دوستان بود. در قدمگاه نیشابور، آیت الله

سیدعلی خامنه‌ای هم حضور داشتند. در آخر مجلس دعا

کردند و گفتند. بعد نوبت کیست؟ گفتند: نوبت ایزدپناه

ایشان دعا کردند، حاضران آمین گفتند. ایشان فرمودند

آمین خشک و خالی که نمی‌شود، هرکه دختر دم بخت

دارد، اقدام کند. فردای آن‌روز یکی از متدینین بازار به

اتاقم آمد و گفت: آمده‌ام به توصیه‌ی آقا عمل کنم، ولی

دختر ایشان کوچک بود و قسمت نشد.

مطبوعات اسلامی و در زمهری مدیران مسؤول و یا سردبیر و شورای سردبیری و یا شورای سیاست‌گذاری که ایشان را به نامی آشنا در صفحه‌ی شناسنامه‌ی مطبوعات دینی تبدیل کرده است.

بگذریم به تازگی دریافته‌ایم که صداقت و راست گویی یکی از مهم‌ترین و بارزترین ثمرات این شیوه‌ی پاسخگویی به سؤالات کوتاه دیدارآشناست. در این شیوه از مصاحبه از هرچه که دل می‌خواهد سؤال کنیم و گاهی جسارت‌مان آن‌قدر بالا می‌رود که از خصوصی‌ترین نکات زندگی افراد نیز سؤال می‌کنیم. به هر حال، با لطف و عنایت ویژه‌ای که مصاحبه‌ی شونده‌گان دیدارآشنا به نشریه‌ی نسل سومی‌های انقلاب دارند، همانند حجت الاسلام و المسلمین ایزدپناه هیچ یک از پرسش‌های ما را بدون جواب نمی‌گذارند.

بدون هیچ مقدمه‌ای این نکته را عرض کنیم که سؤالاتی که درباره‌ی نکات ریز و درشت زندگی افراد، آن‌قدر زیاد است که دیگر نیازی به معرفی جداگانه مصاحبه‌ی شونده‌گان نمی‌بینیم.

حجت الاسلام و المسلمین عبدالرضا ایزدپناه معاونت محترم اجتماعی قوه‌ی قضاییه‌ی جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله شخصیت‌های حوزوی است که به دلایل بسیاری از جمله فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی وی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و فعالیت‌های ارزشمندشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هم برای نسل سومی‌ها یعنی مخاطبان دیدار، آشنا هستند و هم برای نسل اولی‌ها و دومی‌ها یعنی پدران و مادران و بزرگ‌ترهای ما نیازی به معرفی ندارند. حضور مستمر در

خط‌پیوند



درچه سالی طلبه شدید؟ هزار و سی صد و پنجاه هجری شمسی.

چرا طلبه شدید؟ هم خواب دیدم و هم طلبه در نظر بسان فرشته بود.

طلبگی یعنی چه؟ یعنی کسی هیچ وقت از جستجوی علم و معنا خسته نمی شود.

امرارمعاش شمادر دوران طلبگی از کجا بود: شهریه و دوساعت کار در بازار.

شهریه را تعریف کنید: در آمد بخور و نمیر!

در حجره هم زندگی کرده اید؟ بله.

چندسال: شش تا هفت سال

حجره یعنی: خلوتگاه انس اگر قدرش بدانیم.

درس دانشگاهی هم خوانده اید؟ کتاب های علوم انسانی به ویژه روان شناسی و جامعه شناسی و زیست شناسی را می خندم، ولی رسمی نه.

چرا برای کسب علم به دانشگاه نرفته اید؟ طلبه شده بودم.

در حوزه بیش تر با چه درسی رفیق بودید؟ در دوره های گوناگون افراد مختلفی بودند.

محضر درس چه اساتیدی را درک کرده اید؟ استاد علی حکیمی. سیدعلی قانیدی، محمداقار واعظی، حجت هاشمی، باقر علم الهدی، میرزا علی آقای فلسفی، فاضل لنکرانی، جواد تبریزی، جواد املی و...

هم درس های شما در آن روزها؟ شیخ عباس کوثری، شیخ جعفر فیض آبادی و آقای الهی.

مدرسه ی تحصیل علوم مقدمات و سطح شما: در مدرسه نواب مشهد حجره داشتم، ولی در درس های عمومی شرکت می کردم. مدرسه برنامه درسی نداشت.

بهترین هم بحثانتان: خیلی مباحثه نمی کردم.

تا به حال محضر چند عارف را درک کرده اید؟ درک کردم، ولی محبوب بودم و ماندم.

عارف سالک یعنی: مشتاق، ناآرام، همیشه در پرواز.

واصل سالک یعنی: انسان همیشه سالک است، سلوک وصل است و وصل، سلوکی است بی پایان

و اما، سالک مجذوب: در قهقهه ی حیرت عروج می کند.

آیا شرط عارف بودن، عاشق بودن است؟ عشق، شبیه عرفان است و عرفان درگاه عشق.

عشق در یک عبارت کوتاه: اشتداد و نهایت حب و دوستی.

عاشقی یعنی: خود را ندیدن و فقط او را دیدن.

به نظر شما هر عاشقی عارف می شود: عشق از عرفان جدا نیست، معرفت جمال حق، عشق می زاید.

رابطه ی بین عشق و عرفان؟ دیده و دل، هرآنچه دیده بیند، دل شود بند.

مزار عشق: معرفت.

تأثیر عشق: صفا و شفافیت.

به نظر شما مهم ترین خصوصیت سلوکی علامه طباطبائی: و حیانی و قرآنی بودن.

رمز موفقیت شهید مطهری: تملک نفس و تقویت اراده.

بارزترین نکته ی اخلاقی از علامه: توصیه به شب بیداری.

تا باحال چند عالم ربانی را درک کرده اید: وصف هرکه را شنیدم، به سراغش رفتم.

نمره ی این درک و حضور چه بوده است؟ بیدار دلی.

مهم ترین توصیه را از کدام عارف شنیده اید؟ شهید مطهری.

و آن توصیه: پرسید آیا خر سوار شده ای، به او گفتم:

آری. گفت: هر وقت ناامید می شوی، خر را چپه سوارشو، بین چقدر راه آمده ای و هروقت مغرور شدی بین چقدر راه مانده است و راه لقاء حق را انتهای نیست.

به کدام یک از دستورات عرفانی و اخلاقی که شنیده اید، عمل نکرده اید؟ چون کارم جمع آوری آن ها بود، به خیلی از آن ها عمل نکردم.

چه ضرری دیده اید؟ محرومیت.

تا به حال چند دستور سلوکی دریافت کرده اید: ده ها.

به کدام یک از دستورات کاملاً عمل کرده اید؟ گذشت و اخلاص.

ماندگارترین چهره های حوزوی که درک کرده اید؟ در چه سالی؟ علی فقیهی و آیت الله سیدعلی خامنه ای بود.

مهم ترین خصوصیت اخلاقی و سلوکی او؟ بهره وری دقیق و به جای آیت الله خامنه ای از فرصت ها و تبدیل تهدیدها به فرصت.

اولین توحید عرفانی که شنیده اید؟ در مسائل اجتماعی الاعمال بالنتیج است، نه بالتیات و این کلید حرکت اجتماعی و سلوکم شد.

آخرین دستور اخلاقی را از کدام شخصیت دریافت کرده اید؟ آقای حسین احمدی، شفقت به خلق خدا کلید همه ی معانی و مقامات است و حب اهل بیت همه چیز است.

درس های زیر را تعریف کنید؟ فلسفه: مربی خرد.

منطق: درسی که با سرشت ما آمیخته است، می دانیمش، ولی توجه نداریم.

عرفان: همه در آرزوی آنند، ولی اندکی به آن دست می یابند.

اخلاق: همه ادعای آن را داریم، ولی عمل به آن دشوار است.

حقوق: خواندنش آسان و پاسداشتنش سخت است، دانشی که هر روز، زیرپای رفتار ما خرد می شود.

فقه: علم زندگی.

اصول: دستگاه استبطا.

از کارهایی که تا حالا نکرده اید؟ پولشمار

زیباترین صدایی را که دوست دارید بشنوید؟ الله اکبر حضرت مهدی در اذان ظهور.

یک پیشنهاد مهم: بیا بید همه دل بشویم و موفقیت و کامیابی خودمان را در کامیابی و خوشنودی دیگران بدانیم.

استاد محمدرضا حکیمی!! منادی عدالت و معارف تشیع.

استاد حسن زاده ی آملی: عارف واصل و حکیمی شنونده و خستگی ناپذیر.

استاد جوادی آملی: فیلسوف و عارف قرآنی.

روح شما چند ساله است؟ هنوز جوان است.

غرب از نظر شما: غروب عشق و معنویت در غوغای خواسته های نفسانی و دنیایی.

شعر دل پسندان از حافظ: ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ

به قرآنی که اندر سینه داری موسیقی هم گوش می کنید؟ به معنای عام و لغوی آن بله، موسیقی معنوی نه، «غنا» تخذیری.

چرا؟ موسیقی معنوی اهتزاز روح می آورد.

به کدام رشته ی هنری بیش تر علاقه دارید؟! فیلم

خط شما هم خوب است!! نه!

نقاشی هم می کنید؟ نه!

اولین متن ادبی که نوشتید: روز قبل «آوای روزها»ی محمدرضا حکیمی را خواندم و سحر روز بعد حماسه ی غدیر استاد را تمام کردم. ساعت نه شب و اولین متن ادبی را با تأثیر از آن کتاب با عنوان «الاشیع سرخ» شروع کردم و اذان صبح تمام شد.

در چه سالی: هزار و سی صد و پنجاه و سه.

آیا شعر هم می گوید؟ خیلی کم.

اولین شعری که سرودید یادتان هست!! در مدرسه ی نواب، بعد از خواندن کتاب شعر اخوان ثالث، شعر بلندی به شیوه ی تو سرودم.

آخرین سروده ی تان درباره ی چه موضوعی است؟ استادم آیت الله خامنه ای.

آیا تا به حال برای دیدن فیلم به سینما رفته اید؟ بله، اولین فیلم محمدرسلول الله، اوایل انقلاب بود. بعد از آن هم در جشنواره ها.

کدام فیلم را بیش تر دوست دارید؟ امام علی (علیه السلام) به خاطر سرودش.

زیرنورماه را دیده اید؟ بله.

نظر تان درباره ی آن فیلم: ابتکاری بدیع است، ولی موفق نبوده است.

اوقات شانه روزی را چگونه تقسیم می کنید؟ براساس اولویت های کاری

مهم ترین دل مشغولی شما این روزها؟ مطالعاتی که باید انجام دهم و وظیفه ی عصری ام در حفظ نظام.

بالا تر از سیاهی رنگ هست؟ رنگ دل ظالم و ستمگر.

چیزی که خوشحالتان می کند؟ برکت اوقات عمر، سعید بودن.

چند ساعت ورزش می کنید؟ سه ساعت در هفته.

چه قدر به مطالعه اهمیت می دهید؟ هر قدر وقت داشته باشم.

اولین کتابی که خوانده‌اید؟ نهضت‌های انبیاء، جلال‌الدین فارسی.

مهم‌ترین کتابی که در شما اثر داشته است؟ «امیرکبیر» هاشمی رفسنجانی.

آخرین کتابی که مطالعه کرده‌اید؟ زندگینامه‌ی عارف ربانی آقای قاضی.

سیمرغ معرفت: عنقای وصال

جوانی یعنی: شور و انرژی.

مهم‌ترین خاطره از جوانی: اولین باری که شان‌دیز را کشف کردم و از توت درخت شیرین مدرسه‌ی آن بهره بردم و در استخر آب سرد آن شنا کردم.

آیا شما هم جوانی کرده‌اید؟ جوان بدون جوانی نمی‌شود.

لذت ترک گناه در جوانی: خوشی و التذادی که نمی‌شود بیان‌ش کرد.

سفر در جوانی چه مزه‌ای دارد؟! با طراوت، سرزندگی و کنجکاو‌ی آمیخته است.

چندبار به بیت الله الحرام سفر کرده‌اید؟ دوبار، یک حج واجب و یک عمره.

چهاردیواری اختیاری یعنی: یک عقل، دو کرامت و شرافت است، سه حق مردم و چهار رضای خدا.

فراموشخانه‌ی ایمان: آن که ایمان داشته باشد، فراموش نمی‌شود.

دوست و هم‌نشین خوب به نظر شما: آنکه تو را عقل و دین بیفزاید.

اگر بخواهید با تمام ارادت قلبی و باطنی خودتان جملات زیر را خیلی کوتاه تعریف کنید:

عباس بن علی: اسوه‌ی وفا

از عنایات مهدوی: تحمل رفتار و اعمال او

ام البنین: مادر ایثار

مسجد مقدس جمکران: کوی عاشقان مهدی (عج).

علقمه: ساحل آرزو

در حضور دوست: سکوت و حیا.

فدک: حق همیشه غضب شده.

شوق زیارت امام عصر: دلهره از این که می‌پذیرند؟ می‌شود؟



فاطمه (علی‌ها السلام): خودش هم مانند قبرش ناشناخته مانده است.

بلندترین آه در طول تاریخ: آه خاموش علی (علی‌ها السلام) در حمله به حریم او.

شوق بی‌پایان: دیدار روی مهدی (عج).

دوران کودکی: لحظاتی که ارجش ننه‌ادیم و قدرش ندانستیم.

یک رویای دست نیافتنی: جاودانگی.

از جلوه‌های جاودانه: ایثار.

بزرگ‌ترین پند عارفان: یأس از غیر حق.

درس اخلاقی عملی: هرچه برای خود می‌خواهی برای دیگران هم همان را بخواه.

اندیشه‌ی آسمان یعنی: وحی.

معنای عبودیت: ربوبیت، العبادة کنز کنها الربوبية.

دوستان صمیمی شما: همسر و دختر و پسر کوچکم، فاطمه و مهدی.

ارتباط شما با خانواده: عاطفه و صمیمیت.

مهم‌ترین لحظه‌ی زندگی شما: حال مناجات.

بهترین لحظه زندگی: وقتی نوشته‌ای را تمام می‌کنم.

بهترین خبری که تا به حال شنیده‌اید: اعلان پیروزی انقلاب اسلامی.

چقدر به خانواده اهمیت می‌دهید؟ خیلی

مدیون و بدهکار آن‌ها هستم.

نهایت ادب را در چه چیز می‌دانید: پاس داشتن خوبی و لطفی که افراد به انسان می‌کنند.

عزیز دردانه‌ی شما: خودم! هنوز نتوانسته‌ام از حب ذات آزاد شوم.

جلوه‌های عبادت عاشقانه: قطرات اشک در سحر.

معیارهای عبادت و بندگی مقبول: اشک و حال.

ماهواره‌ی خدا: فرشتگان موکل.

حج فقرا: زیارت مشهد.

چندبار مشرف شده‌اید: بسیار.

چه عنایاتی از امام رضا (علی‌ها السلام) دیده‌اید؟ هر توفیقی دارم، از عنایات اوست.

چگونه زیارت می‌کنید؟ سر را بر دیوار حرم می‌گذارم و راز دل می‌گویم.

مهم‌ترین خواسته‌ی شما از امام رضا (علی‌ها السلام): استمرار عنایات او.

هربار که به حرم امام رضا (علی‌ها السلام) مشرف می‌شوید، چه تغییراتی در شما حاصل می‌شود؟ وضع و شرایطی جدید، برایم پدید می‌آید.

چه دورانی در قم زندگی کرده‌اید؟ بیش‌تر پس از انقلاب اسلامی.

یعنی چند سال: بیست سال.

وقتی در قم هستید، چندبار به حرم مشرف می‌شوید؟ بسیار.

حرم بانوی کرامت را در یک عبارت کوتاه تعریف کنید: ترکیبی بدیع از ابهت، لطف و حیا و معنا.

مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی به نظر شما: گذشت.

تکلیف ما در دنیای پیچیده‌ی امروز: تقوا.

جمله‌ای که مدام سرمشقتان بوده است: آنچه برخود نمی‌پسندی، بر دیگران هم میسند.

یک خاطره‌ی شنیدنی: آیت الله طالقانی از زندان ستمشاهی آزاد شده بود، نزدیک آذان ظهر خدمتشان رسیدم، آذان گفتند: او گفت: من خواندن نماز را در اول وقت، احتیاط واجب می‌دانم و نیز گفت: اخلاق اسلامی در جامعه‌ی اسلامی میوه‌ی خود را می‌دهد.

مهم‌ترین کاری که در دقیقه‌ی نود انجام داده‌اید؟ بیش‌تر نوشته‌هایم در دقیقه نود تمام شده است.

بهترین چاره‌ی گذر از چالش‌ها: بالا رفتن ایمان همگانی.

نصیحت به طلبه: اخلاص

سخنی با حقوق‌دان؟ حق خودش را بر خودش پاس بدارد.

تعریف شما از نسل سوم: نسل پر استعداد، پرتوقع و فراموش شده.

نسل اول را تعریف کنید: آن‌ها که با تلاش و رنجشان انقلاب شکل گرفت.

بیش‌ترین شباهت نسل اول با نسل سوم: صداقت.

بارزترین تفاوت این دو نسل به نظر شما: نسل اول با رنج و فلاکت، جامعه‌ی شاهنشاهی را دیده، ولی نسل سوم فقط کمبودهای این جامعه را می‌بیند.

چیزهایی را که به دست آورده است، قدر و منزلتش را پاس نمی‌دارد.

اگر زمانی توفیق درک حضرت ولی عصر، نصیب شما شود و بخواهید تمام ارادت خودتان را در یک جمله خطاب به حضرت ولی عصر عرض نمایید، چه می‌گویید: آقا قربونت!

و آخرین سؤال، چیز که دوست ندارید از شما بپرسیم: بعضی از همین سؤال‌هایی که کرده‌اید.